یادداشت

جان‌فدای صرفه‌جو

ادامه از صفحه اول

در چنین شرایطی، میدان جنگ فقط جغرافیایی نیست؛ رفتارهای روزمره ما نیز جزئی از جبهه دفاع ملی شده است. در این میدان، هر خانه می‌تواند یک سنگر باشد و هر خاموش‌کردن چراغ اضافه، یک تیر خلاص به نقشه دشمن. این همان جایی است که مفهوم «جان‌فدای صرفه‌جو» معنا پیدا می‌کند؛ فداکاری‌ای که نه صدای گلوله دارد و نه هیاهو، اما بنیان‌های مقاومت را مستحکم‌تر می‌کند.

صرفه‌جویی؛ دفاع ملی در لباس شهروندی: در شرایط جنگی، هر ملت وظیفه‌ای فراتر از زندگی عادی بر دوش می‌گیرد. در جنگ‌های کلاسیک گذشته، فداکاری‌ها با حضور در جبهه، دادن جان و تحمل سختی‌ها تعریف می‌شد. اما امروز، فداکاری شکل تازه‌ای گرفته است: مسئولیت‌پذیری در مصرف منابع حیاتی. باید بپذیریم که انرژی فقط برق یا گاز نیست؛ سرمایه مقاومت ملی است. هر کیلووات برقی که امروز کمتر مصرف شود، هر شعله گازی که بی‌دلیل روشن نماند، هر درجه کولری که تنظیم شود، هر چراغی که خاموش شود و در نهایت هر اقدامی -هرچند کوچک- که منجر به مصرف بهینه شود، می‌تواند بخشی از توان سیستم را بالا نگه دارد و فرصت بازسازی، ترمیم یا مدیریت اضطراری را فراهم کند. این ساده‌ترین و در عین حال مؤثرترین شکلی است که یک شهروند می‌تواند در جنگ مشارکت کند. همین مشارکت‌هاست که در مجموع یک دیوار بلند در برابر فشار دشمن می‌سازد.

دشمن، ناراضی‌سازی را نشانه گرفته است: دشمن به‌درستی می‌داند که ایران را نمی‌توان از طریق جنگ نظامی مستقیم شکست داد؛ چنان که در جنگ ۴۰روزه بر تمام جهان اثبات شد. تاریخ نشان داده است ملت ایران در برابر تهدید خارجی همسو و استوار می‌شود؛ اما ناراضی‌سازی اجتماعی، نقطه‌ای است که دشمن امید دارد در آن شکاف بیندازد. قطع برق، اختلال در خدمات عمومی، فشار بر زیرساخت‌ها و ایجاد مزاحمت در زندگی روزمره، ابزارهایی هستند که دشمن با آنها تلاش می‌کند این نارضایتی را تولید و تشدید کند. در این میان، نقش مردم بسیار کلیدی است. اگر جامعه به‌گونه‌ای رفتار کند که این فشارها را خنثی کند، یعنی اجازه ندهد ابزارهای دشمن کارآیی پیدا کنند، در واقع یک پیروزی بزرگ رقم خورده است. پس صرفه‌جویی فقط توصیه‌ای اقتصادی نیست؛ یک تاکتیک امنیتی است، یک پاسخ هوشمندانه به تلاش دشمن و یک مشارکت مدنی با ارزش راهبردی.

صرفه‌جویی در شرایط فعلی، مؤلفه مهم جان‌فدایی و شهروندی: از چند منظر می‌توان اهمیت صرفه‌جویی در شرایط فعلی را مورد توجه و تأکید قرار داد: نخست، زیرساخت‌ها تحت حمله‌اند. بازیابی برخی بخش‌های آسیب‌دیده زمان‌بر است و کاهش مصرف، فشار را از شبکه برمی‌دارد. دوم، مصرف بالا باعث آسیب‌های زنجیره‌ای می‌شود. هر اختلال در نقطه‌ای از شبکه می‌تواند اثر دومینویی داشته باشد. سوم، افزایش مصرف، دست دشمن را برای طراحی حمله‌های مؤثرتر باز می‌گذارد. هرچه مصرف کنترل‌شده‌تر باشد، محاسبات دشمن سخت‌تر می‌شود. چهارم، صرفه‌جویی، سرمایه ملی آزاد می‌کند. در زمان بحران، هر میزان انرژی ذخیره‌شده می‌تواند به نقطه‌ای مهم و حساس اختصاص یابد. و پنجم اینکه این صرفه‌جویی حس همبستگی را تقویت می‌کند. وقتی مردم بدانند در یک تلاش جمعی شریک‌اند، اثرات روانی مثبت آن بسیار قابل توجه است.

یک نور کمتر، یک قدم نزدیک‌تر به پیروزی: وقتی رئیس‌جمهور می‌گوید «اگر ۱۰ چراغ روشن است، دو چراغ روشن بماند»، این فقط یک توصیه ساده خانگی نیست؛ دعوتی است به مشارکت در پروژه ملی مقاومت. این فراخوان، دعوت به یک اخلاق جمعی است؛ دعوت به آگاهی و دعوت به اینکه هر ایرانی حس کند بخشی از حل مسئله است، نه قربانی آن. شاید از دور به‌نظر برسد خاموش‌کردن چند چراغ کم‌اثر باشد، اما واقعیت این است که ضربه به دشمن از محورهای غیرمنتظره آغاز می‌شود. در جنگ‌های مدرن، پیروزی‌ها با همین جزئیات رقم می‌خورند.

ایده «هر خانه، یک سنگر»: در شرایطی که دشمن به دنبال ایجاد اختلال در شبکه‌های حیاتی کشور است، خانه‌های مردم تبدیل به سنگرهایی می‌شوند که باید در آنها مراقبت و خویشتن‌داری حکم‌فرما باشد. همه چیز از خانه شروع می‌شود: مدیریت روشنایی، تنظیم دما، کاهش مصرف در ساعات اوج، خاموش‌کردن دستگاه‌های غیرضروری و رعایت الگوی مصرف. این رفتارها اگر همگانی شود، شبکه را پایدار نگه می‌دارد و دشمن را ناامید می‌کند و اگر همین رفتارهای ساده نادیده گرفته شود، دشمن فرصت بهره‌برداری می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت صرفه‌جویی در این دوره زمانی، نه صرفا یک رفتار اقتصادی بلکه یک کنش ملی است.

جان‌فدایی در شرایط فعلی: ایران همواره با اتکا بر جان‌فدایی مردم خود از بحران‌ها عبور کرده است. این جان‌فدایی البته همیشه به شکل حضور در میدان نبوده؛ گاهی در صبر، گاهی در تحمل، گاهی در همراهی و امروز در صرفه‌جویی هوشمندانه معنا پیدا می‌کند. اگر روزی جان‌فدایی به معنای ایستادن در خط مقدم بود، امروز ایستادن بر سر مصرف بهینه انرژی، شکلی مدرن از همان فداکاری است. تنها با همراهی مردم است که می‌توان فشار دشمن را خنثی کرد و اجازه نداد هدف نهایی او -نارضایتی عمومی- تحقق یابد.

توصیه رئیس‌جمهور بر پیروزی از راه رفتار: توصیه رئیس‌جمهور در حقیقت یک فراخوان به شکل تازه‌ای از همبستگی ملی است. همبستگی‌ای که هم هزینه‌های اجتماعی را کم می‌کند، هم فشار دشمن را بی‌اثر می‌کند و هم به دولت و سیستم کمک می‌کند تا با فراغ بال بیشتری به مدیریت بحران بپردازد. اگر هر ایرانی در روز فقط چند اقدام کوچک انجام دهد، می‌توان از یک موج بزرگ بحران جلوگیری کرد و این همان معنای حقیقی «جان‌فدای صرفه‌جو» است: فداکاری‌ای آرام، بی‌صدا، اما بسیار قدرتمند؛ فداکاری‌ای که می‌تواند ایران را از یکی از سخت‌ترین مقاطع تاریخی‌اش عبور دهد.

تعطیلی فرهنگ و هنر، هرگز...

عباس یاری: در بحبوحه جنگ‌های خیابانی، گازهای اشک‌آور و پلیس‌های مسلح به سپر و باتوم که تقریبا موجش تمام شهرهای یونان را فرا گرفته بود، «جشنواره بین‌المللی فیلم تسالونیکی» که از رویدادهای مهم سینمایی دنیاست، عزمش را جزم کرده بود جشنواره‌اش را با میهمانانی از سراسر جهان، با همان شکوه همیشگی برگزار کند.

بهمن‌ماه سال ۹۰ بود، دولت یونان با تصویب و اعلام سیاست‌های ریاضتی در پارلمان این کشور، باعث شده بود موجی عظیم از اعتراض و ناآرامی سراسر این کشور را فرا بگیرد. چندین شهر در اعتراض به برنامه‌های سخت‌گیرانه اقتصادی دولت، درگیری‌های خشونت‌باری را برپا کرده بودند و زدوخوردهای خشونت‌باری میان معترضان و نیروهای پلیس در بیشتر شهرهای یونان ادامه پیدا کرده بود.

تظاهرات‌کنندگان در شهر بندری و مهم «ولوس» که بندری ساحلی در ۳۳۰کیلومتری شمال آتن است، به یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های این شهر حمله و آن را غارت کرده بودند. همچنین به ساختمان شهرداری و دفتر مالیاتی در چند شهر هم خسارت‌هایی زده شده بود. پلیس اعلام کرده بود در این درگیری‌ها صدها نفر در بعضی از شهرهای یونان زخمی شده‌اند.

در بحبوحه این جنگ‌های خیابانی و ناآرام که پرتاب گازهای اشک‌آور توسط پلیس‌های مسلح به سپر و باتوم و شعله‌های آتش تظاهرات‌کنندگان برای مقابله با سوزش چشم‌هایشان و ناهنجاری‌هایی که تمام شهرهای این کشور را فرا گرفته بود، تسالونیکی عزمش را جزم کرده بود جشنواره‌اش را با میهمانانی از سراسر دنیا برگزار کند. آن‌طور که در خبرها آمده بود، بعضی از میهمانان به بهانه کار (و درواقع ترس و نگرانی) از شرکت در جشنواره عذرخواهی کرده بودند. اما من مایل بودم با یک کرشمه دو کار انجام دهم: هم در جریان یک قیام مردمی در اروپا قرار بگیرم و هم برای سومین بار در این جشنواره خاطره‌انگیز شرکت کنم و جدا از صحنه‌ای اکشن در خیابان‌ها، روزی پنج تا شش فیلم هم ببینم. جشنواره تسالونیکی، رویدادی گرم و صمیمی است که هر سال با اعتبار و برنامه‌ریزی خوب در یونان برگزار می‌شود. به فرودگاه تسالونیکی، دومین شهر بزرگ یونان که می‌رسم، به وقت محلی ساعت دو بعدازظهر روز جمعه سیزدهم آبان است. چند منتقد و روزنامه‌نگار دیگر هم با این پرواز خودشان را از آتن به اینجا رسانده‌اند. میهمانان جشنواره به وسیله اتومبیل‌هایی روانه هتل‌هایشان می‌شوند. یک روزنامه‌نگار یونانی و یک خانم روس منتقد فیلم که عضو داوری فیپرشی (فدراسیون بین‌المللی منتقدان فیلم) است، همراه ما عازم هتل‌هایشان هستند. بیشترین کنجکاوی‌ام این است که بدانم در شهر چه خبر است. راننده اتومبیل ما دانشجوی جوانی است که از جابه‌جایی میهمانان تا کنترل تماشاگران در سینماها، همه کار در جشنواره انجام می‌دهد. می‌گوید: «امسال نسبت به سال قبل یک‌سوم کمتر حقوق می‌گیرم. چاره‌ای هم ندارم، چون خیلی‌ها با کمتر از این پول هم حاضرند کار کنند». اشاره‌اش به برنامه‌های ریاضت اقتصادی دولت است. می‌گوید: «پدرم نزدیک به ۲۷ سال است در یک مرکز آموزشی تدریس می‌کند. تا چندی پیش حقوقش حدود هزارو ۷۰۰ یورو بود، حالا هزارو ۲۰۰ یورو می‌گیرد».

او با هیجان خبر می‌دهد قرار است ساعت پنج بعدازظهر تظاهرات بزرگی در یکی از خیابان‌های اصلی شهر برگزار شود. سر راه، این محل را که نزدیک یک پارک قدیمی است، نشان‌مان می‌دهد؛ محلی که در و دیوارش با انواع پوستر و نوشته، نظر مخاطبان را جلب می‌کند. همه چیز نشانه‌هایی از خشم و اعتراض را فریاد می‌کشد. احتمالا تظاهرات بزرگی خواهد بود.

در این مقاله به تظاهرات و درگیری‌های مردم و پلیس‌های باتوم و سپر در دست کاری ندارم، نگاهم به اتفاق مهم‌تری است؛ یعنی برگزاری جشنواره هم‌زمان با موج ناآرامی‌ها حتی در همین شهر.

یک شهردار باحال...! آقای یانیس بوتاریس در آن سال شهردار تسالونیکی بود. او را در یکی از میهمانی‌های جشنواره که وزیر فرهنگ یونان به افتخار میهمانان ترتیب داده بود، ملاقات کردم؛ پیرمرد جاافتاده، زنده‌دل و لاغراندامی با موهای سفید و گوشواره. وقتی با او دست می‌دهم، قدرت دستش نشان می‌دهد زمانی اهل ورزش بوده. روی مچ دستش یک سوسمار خالکوبی‌شده به چشم می‌خورد. یاد پهلوان‌های قدیمی زورخانه‌های خودمان می‌افتم. معلوم است در جوانی برای خودش عالمی داشته است، هرچند با کارهایی هم که در شرایط فعلی و اوج تظاهرات خیابانی می‌کرد، برای خودش عالمی داشت.

مردم اغلب او را می‌شناختند و چهره محبوبی در شهر بود. می‌پرسم: «آقای شهردار، با این بحران اقتصادی که یونان گرفتارش شده، چرا فکر کردید باید جشنواره را ادامه بدهید؟».

می‌گوید: «کار ساده‌ای نبود. برای حفظ جشنواره در شرایط فعلی با مخالفانش به‌شدت جنگیدم و موفق شدم. برای مقابله با چنین بحران‌هایی بهترین راه‌حل، کارهای فرهنگی است. شما شاهدید که با وجود تمام اعتراض‌هایی که یونان را فرا گرفته، تسالونیکی به‌عنوان دومین شهر مهم یونان در آرامش کامل است. ما با نمایش ۱۵۱ فیلم و دعوت از میهمانانی از سراسر دنیا، داریم یکی از بهترین دوره‌های جشنواره را برگزار می‌کنیم». می‌گویم: «البته بعضی از میهمان‌ها هم نیامدند». با خنده می‌گوید: «ترسیدند. ما هم جا نزدیم».

او که سر شوق آمده، طبع ادبی‌اش هم گل می‌کند: «ما با این جشنواره سعی کردیم پنجره امید و آینده را به روی مردم باز کنیم و این چشم‌انداز با تلألو رنگ‌ها و نورهایش در مقابل دیدگان‌مان قطعا مدیون سینماست. شما در سالن‌های تاریک، پنجره‌ها را به نور و رنگ و واقعیت‌ها باز می‌کنید؛ پنجره‌ای که بیش از نیم‌قرن در این شهر تاریخی به روی مردم و میهمان‌مان باز بوده است».

«دیمیتری اپیدس»، مدیر جشنواره تسالونیکی هم که بارها به ایران سفر کرده و فیلم‌سازان ایرانی به او «عمو دیمیتری» می‌گویند، از عاشقان سینمای ایران است. او هم درباره علت تعطیل‌نکردن جشنواره در شرایط فعلی می‌گوید: «خیلی‌ها فکر می‌کردند این روزها که یونان با بحران شدید اقتصادی و موج اعتراض‌ها درگیر است و این‌همه گرفتاری دارد، جشنواره برگزارکردن چه معنایی می‌دهد؟ به نظرم وقتی کشور ما شانس بیداری و تجدید اعتبار دارد، به شهروندانی هم نیاز دارد که به آن بلوغ رسیده باشند تا بتوانند این رشد را نشان دهند. مردمی مبتکر، بی‌باک، جسور و با برنامه. ما برای برگزاری جشنواره‌مان نیاز به پذیرایی از میهمانانی از سرتاسر جهان داشتیم و باید یاد بگیریم که در اوج این بحران‌ها، میهمان‌نوازی کنیم و با نمایش فیلم‌های مختلف بدانیم دوروبرمان چه خبر است».

خانواده‌ها در بحران...! وقتی اپیدس می‌گفت «نیاز داشتیم بدانیم دوروبرمان چه خبر است؟»، شاید اشاره‌اش به فیلم‌هایی بود که فیلم‌سازان مستقل می‌سازند.

امروز چه بخواهیم و چه نخواهیم بخشی از آگاهی‌های جوامع بشری را نه شبکه‌های خبرپراکنی نشان‌دار دولتی دنیا، بلکه فیلم‌سازان مستقل، با چشمان تیزبین و دوربین‌هایشان می‌سازند و تصویرهایی از جامعه، فرهنگ، التهاب‌های سیاسی و جامعه‌های کوچکی مثل خانواده را که حالا تقریبا در بیشتر نقاط دنیا از شکل جامعه کوچک خارج شده، در معرض دید مخاطبان‌شان می‌گذارند. در اغلب این فیلم‌ها خانواده به مفهوم کلاسیک و تعریف‌شده‌اش، یا وجود ندارد یا ترک خورده و در حال شکستن است.

یادداشت

همه آدم‌ها تمایل به دیده‌شدن دارند

محمدفوقانی
سینماگر

گاهی با زوزه جاروبرقی به فکر فرو می‌روم. راستش خیلی دلم برایش می‌سوزد. تازگی رنگش پریده، صداش گرفته و رمقی ندارد. از همه ما بیشتر در خانه کار اجباری می‌کند؛ دریغ از کوچک‌ترین توجه. همه چیز رنگ و بوی عادت را می‌گیرد. خشونت حرف اول را می‌زند، حتی زمانی که حالش بد است و نفسش درنمی‌آید، با پا دکمه جان‌دادن به او را فشار می‌دهیم و گاهی هم مشتی بر سرش حواله می‌کنیم، شاید لقمه‌ای آشغال در گلویش گیر کرده باشد. خرطوم بزرگش را که همه هویت و دارایی‌اش است و نسبت نسبی با هم دارند، با عصبانیت از او جدا کرده و دور می‌کنیم. دلم خیلی برایش می‌سوزد؛ چون هفته به هفته در گوشه‌ای از کمد فقط زل می‌زند.با همه انس و سال‌ها در کنار هم بودن، با جبر مطلق کیسه‌اش را تعویض می‌کنیم و خرطوم بزرگ را به زور داخل آن فرومی‌بریم؛ غافل از اینکه او حس دارد و ما با آمپول بی‌توجهی از او مجسمه‌ای بی‌روح می‌سازیم. اصلا ما متخصص کرخ و فلج‌کردن روح هستیم! از ترس آچارهای وحشتناک تعمیرکاران مجبور به کار بی‌عشق و تحمل است. شاید هنوز با رؤیا نفس می‌کشد، مانند روزهایی که پشت ویترین برای فروش بود و به این دوران فکر نمی‌کرد، در رؤیاهایش همزیستی کنار بزرگانی مانند یخچال و فریزر و تلویزیون را پرورش می‌داد. آدم‌های شبیه جاروبرقی را دیده‌ام؛ با همه صداقت و سادگی که دارند، هیچ‌گاه دیده نمی‌شوند و همه احساسات انسانی از آنان پنهان می‌ماند. دریغ از یک لبخند رضایت و عشق‌بازی در چشم‌ها. این داستان بعضی از ما آدم‌هاست؛ با شدت و ضعف، ولی وجود دارد و قابل لمس... . تا قبل از جاروبرقی‌شدن، روح و زخم‌ها را ترمیم کنیم، با دعوت به خودآگاهی و اهمیت‌دادن به عواطف و احساسات. همه آدم‌ها در هر جایگاه و منصبی، کم یا زیاد تمایل به دیده‌شدن دارند. لطفا این فرصت را به همه بدهیم، قبل از اینکه روح آنان را ناخواسته بیمار کنیم... .

یادداشت

گذار به انرژی پاک در شمال، به بهای آلودگی در کشورهای جنوب

ادامه از صفحه اول

در بسیاری از این کشورها، استخراج منابع طبیعی نه‌تنها به توسعه پایدار منجر نشده، بلکه به تشدید فقر، نابرابری و وابستگی اقتصادی انجامیده است. سود حاصل از استخراج این مواد عمدتا به شرکت‌های چندملیتی و بازارهای جهانی منتقل می‌شود، در حالی که جوامع محلی سهم اندکی از این منافع دریافت می‌کنند. این وضعیت یادآور الگوهای تاریخی بهره‌برداری از منابع در دوران استعمار است؛ الگویی که در آن، کشورهای جنوب به‌عنوان تأمین‌کنندگان مواد خام عمل می‌کنند و کشورهای شمال از ارزش‌افزوده و فناوری بهره‌مند می‌شوند. به این ترتیب، گذار به انرژی سبز در بسیاری از موارد، نه به کاهش نابرابری، بلکه به بازتولید آن در قالبی جدید منجر شده است.

«گذار سبز» در شمال به بهای آلودگی در جنوب؟

یکی از پرسش‌های اساسی این است که آیا گذار به انرژی‌های پاک واقعا به کاهش آلودگی در مقیاس جهانی منجر می‌شود یا صرفا جغرافیای آن را تغییر می‌دهد؟ شواهد نشان می‌دهد در بسیاری از موارد، این گذار به انتقال آلودگی از کشورهای صنعتی به کشورهای در حال توسعه انجامیده است. کشورهای شمال با کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی و بهبود کیفیت هوای خود، در ظاهر به اهداف زیست‌محیطی دست می‌یابند. اما این دستاوردها تا حدی بر پایه افزایش استخراج منابع در مناطق دیگر جهان استوار است؛ مناطقی که اغلب از نظر نظارتی و زیرساختی توان مقابله با پیامدهای زیست‌محیطی این فعالیت‌ها را ندارند. گذار به انرژی‌های پاک، بی‌تردید یکی از ضروری‌ترین اقدامات برای مقابله با بحران اقلیمی است. با این حال، این گذار نباید به‌صورت ساده‌انگارانه و بدون توجه به پیامدهای گسترده آن مورد تحلیل قرار گیرد. آنچه امروز به‌عنوان یک راه‌حل جهانی مطرح می‌شود، در عمل دارای ابعاد پیچیده‌ای است که برخی از آنها در پس گفتمان غالب «سبز» پنهان مانده‌اند. از این‌رو، لازم است در صورت‌بندی و تحلیل گذار به انرژی سبز بازنگری شود. این بازنگری باید بر درک جامع‌تری از پیامدهای زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی این فرایند استوار باشد و هزینه‌های ناپیدا و ابعاد مغفول آن را نیز دربر گیرد. به‌ویژه اگر این مسئله را از منظر اقتصاد سیاسی و در چارچوب روابط نابرابر شمال و جنوب مورد بررسی قرار دهیم، روشن می‌شود که گذار سبز، بدون اصلاح ساختارهای موجود، می‌تواند به بازتولید نابرابری‌های جهانی بینجامد. در نهایت، تحقق یک گذار واقعا پایدار مستلزم آن است که نه‌تنها به کاهش انتشار کربن، بلکه به عدالت زیست‌محیطی و توزیع منصفانه منافع و هزینه‌ها نیز توجه شود. بدون چنین رویکردی، انرژی سبز ممکن است تنها به تغییر شکل بحران، نه حل آن، منجر شود.

جدول ۵۳۰۸ طراح: بیژن کورانی

افقی:

۱- پایتخت عمان- قهرمان نیکونهاد داستان امیرارسلان- کاشف میکروب سل ۲- گریز حیوان- کنایه از زمان بسیار قدیم است- دانه خوراکی مقوی ۳- به آهستگی- پراکندگی- یک‌ششم ملک ۴- منفک- از غذاهای محلی شمال خراسان- دوره‌ای از زندگی زنان ۵- کارخانه پارچه‌بافی- مشروح ۶- حرکتی در بخش دارحلقه ژیمناستیک- نوعی ماهی جنوب- تنها ۷- شمشیر- خاک- خرگوش عرب ۸- نشانه جمع فارسی- از غذاهای دریایی خوشمزه- اندک ۹- رهن‌دهنده- دندان‌های اولیه- دومین عنصر فراوان در بدن انسان ۱۰- جملگی- تکه کوچک کاغذ- ضلالت ۱۱- صاحب کتاب کارنامه بلخ- لمس‌شده ۱۲- شفاهی- چپ چشم- شکاف ۱۳- جرقه آتش- راست و درست- یک پای ثابت سالاد ۱۴- ناامید- نمایشنامه‌ای مشهور نوشته شیللر آلمانی- نشانه مصدر جعلی ۱۵- همه را شامل می‌شود- نویسنده- منتشرکننده کتاب اعتبار- متناهی ۱۰- رودخانه‌ای در ایتالیا- کلبه برفی اسکیموها- ماه کارگری ۱۱- تیر پیکاندار- دستگاه آردکردن غلات- کشور ۱۲- اختراع مارکونی- رشته‌ای در تیراندازی با کمان- نوعی آچار سرکج ۱۳- طرفداران معاویه در جنگ صفین- هر یک از دالان‌های بزرگ بازار ۱۴- از ابزار حفاری- جلال و شکوه- روییدن ۱۵- خوراکی از تخم‌مرغ- غضروف هلالی در مفصل زانو- نشانه صفت تفضیلی

عمودی:

۱- تلخ- پیشینه- رمانی عاشقانه نوشته فهیمه رحیمی ۲- از هفت‌سین نوروز- آژیر خطر- کوزه‌گر قدیم ۳- قطعه‌شعری معروف از نیمایوشیج- درنگ ۴- سرزنش- گلوله تفنگ شکاری- درختی برگ ریز و زیبا ۵- کیسه پول قدیمی- محل ذخیره کالا- نگهبان گله ۶- از افعال اسنادی- مبارک و فرخنده- سرکرده ۷- بناشده- رادیکال- مخفف دیگر ۸- غذای لذیذ و محبوب ژاپنی‌ها- داخلی‌ترین لایه چشم- رسم و سنت ۹- از طلا قیمتی‌تر- با

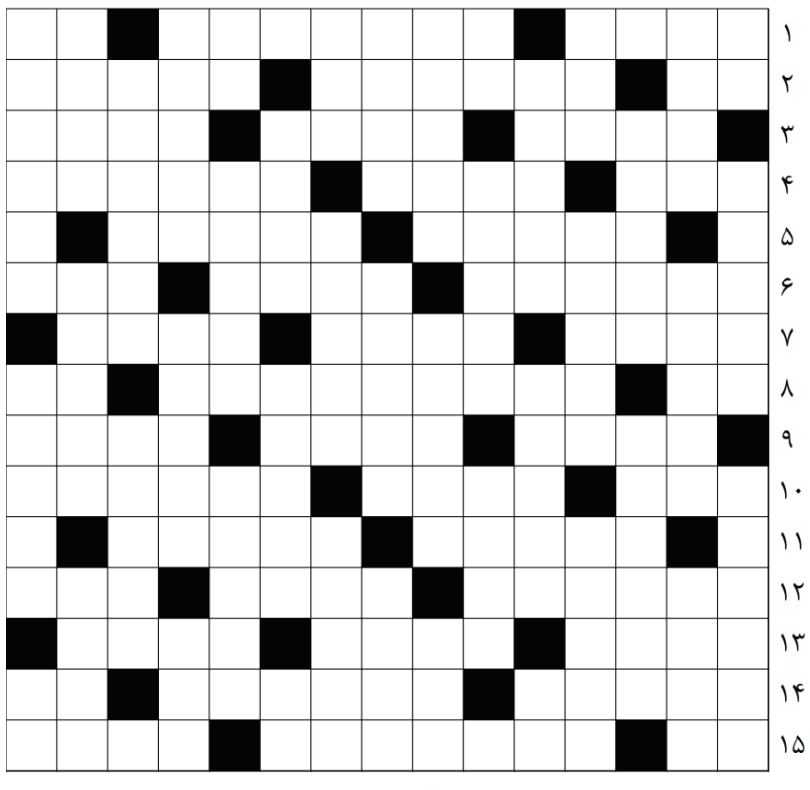

حل سودوکو ۴۳۰۳

۳	۷	۲	۵	۶	۸	۱	۴	۹
۶	۵	۹	۴	۷	۱	۳	۲	۸
۸	۴	۱	۲	۳	۹	۶	۵	۷
۲	۳	۵	۸	۱	۴	۹	۷	۶
۱	۹	۸	۷	۵	۶	۲	۳	۴
۷	۶	۴	۹	۲	۳	۸	۱	۵
۴	۲	۳	۶	۹	۵	۷	۸	۱
۵	۱	۶	۳	۸	۷	۴	۹	۲
۹	۸	۷	۱	۴	۲	۵	۶	۳

۵	۶	۷	۳	۴	۹	۱	۸	۲
۴	۳	۸	۶	۱	۲	۷	۹	۵
۹	۲	۱	۵	۷	۸	۳	۴	۶
۳	۱	۴	۹	۶	۵	۸	۲	۷
۲	۷	۹	۸	۳	۴	۶	۵	۱
۶	۸	۵	۷	۲	۱	۹	۳	۴
۸	۵	۲	۱	۹	۶	۴	۷	۳
۱	۹	۳	۴	۵	۷	۲	۶	۸
۷	۴	۶	۲	۸	۳	۵	۱	۹

حل جدول ۵۳۰۷

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	ب	س	ه	■	چ	و	ب	د	و	س	ر	ط	ل	ا
۲	س	ن	ج	ا	ق	ک	■	ط	و	س	ی	■	و	ی	ل
۳	ت	ی	ن	■	د	ش	م	ن	■	ت	ن	ق	ل	ا	ت
۴	د	ا	■	خ	م	ی	ر	■	ک	و	ا	ل	ا	■	■
۵	غ	د	ا	و	ت	■	ش	پ	ش	ک	■	ا	ن	ت	ر
۶	ا	م	ل	ا	■	ا	د	ا	ک	■	ت	ب	ی	ی	ن
۷	■	■	ا	ص	ل	ه	■	ر	و	ا	ن	ی	■	ل	ج
۸	ش	ی	ن	■	ی	و	م	ا	ل	ل	ه	■	ق	ه	ر
۹	م	ن	■	ا	ل	ا	ر	م	■	ک	ا	ذ	ب	■	■
۱۰	ا	گ	ز	م	ا	■	ا	ت	و	ن	■	ه	ل	ی	ا
۱۱	ر	ی	ی	س	■	پ	ت	ر	ا	■	ر	ا	ه	ا	ب
۱۲	■	■	ن	ا	ب	ا	ب	■	ر	س	و	ب	■	ر	ب
۱۳	ر	ا	ه	ک	ا	ر	■	ا	د	ر	س	■	گ	ا	ن
۱۴	ن	ب	ا	■	ن	س	ی	ه	■	ف	و	ر	ه	ن	د
۱۵	ک	و	ر	و	ک	ه	و	ا	ر	ه	■	ف	ر	ه	ی

سودوکو سخت ۴۳۰۴

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۱		۷				
	۹	۴						
۲				۱	۵		۸	
۸							۴	
	۵	۳	۷		۲	۸	۱	
	۶							۷
	۱		۶	۸				۹
						۷	۳	
				۵		۱		

سودوکو ساده ۴۳۰۴

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۶			۳		۷		
۲	۹		۸			۴		
		۱	۲			۸	۹	۳
۶	۴			۷		۳		۹
		۷				۱		
۵		۹		۸			۷	۴
۹	۳	۶			۸	۲		
		۲			۴		۳	۱
		۴		۲			۸	